

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

عرض کردیم که در تطبیقات حقوقی هم اعتبار مکتوبات تابع همان نتیجه ای است که از مباحث فقهی گرفته شد، یعنی سند مکتوب حجت ذاتی نیست منتها به شرط این که موجب ظن متأخم به علم شود، معتبر است.

تطبیقات آن در قانون آیین دادرسی مدنی تمام شد. سراغ قانون مدنی و مقررات مدنی دیگر می رویم.

در ارتباط با خود قانون مدنی (البته در صدد احصاء نیستیم) بلکه در صدد بیان برخی تطبیقات هستیم؛ اولاً در باب اجاره، قانون روابط موجر و مستأجر مصوب 1376 در ماده یک، تصریح کرده است که قرارداد اجاره می تواند در دو قالب باشد، یکی رسمی و دیگری قرارداد اجاره عادی.

راجع به هر یک از عقود و ایقاعات می توان با مراجعه به دفاتر اسناد رسمی در مورد آن سند رسمی تنظیم کرد، مثلاً به دفترخانه مراجعه کنید و بگویید می خواهم سند ابراء، اسقاط، اعراض، بیع، مزارعه، مساقات، اجاره و امثال آن تنظیم شود که این سند رسمی مزایایی دارد و البته مستلزم هزینه هایی است که مردم از آن فرار می کنند صعوبت جعل در آن دارای امتیاز است.

البته قرارداد عادی هم لازم نیست در بنگاه معاملات تنظیم شود ولی در ماده دو همین قانون راجع به اجاره تصریح شده که اگر قرارداد اجاره عادی است، باید مدت اجاره در آن دقیقاً قید گردد و در دو نسخه تنظیم شود و به امضای موجر و مستأجر برسد و دو نفر که مورد اعتماد طرفین هستند به عنوان شاهد ذیل آن را امضا کنند. الان بر اساس این قانون که الان مجرا است، تخلیه عین مستأجره پس از انقضای موعد نیازمند دادگاه نیست بلکه در شورای حل اختلاف مطرح می شود و آن جا هم رسیدگی به معنای خاص کلمه نمی خواهد بلکه به کلانتری دستور می دهند تا یک هفته به مستأجر مهلت تخیله بدهد که این قضیه به معنای اعتبار دادن به همین نوشته است.

بنابراین در مورد اسناد قراردادها اگر سند رسمی باشد معتبر دانستن مکتوب است و وثوق صدور آن به جهت رسمی بودن است و اگر عادی باشد باز هم مکتوب است و وثوق صدور به شهادت دو نفری است که امضا کرده اند و همچنین اگر در بنگاه باشد مهر و امضای بنگاه و شماره رهگیری اضافه می‌شود.

اما در مورد وصیت، در قانون مدنی اصل وصیت و اقسام آن را مطرح کرده، ولی کیفیت وصیت نامه کتبی در قانون امور حسبی در ماده 276 آمده است، می‌گوید: وصیت نامه اعم از عهدی یا تملیکی، منقول یا غیر منقول ممکن است به صورت رسمی، خودنوشت یا سری تنظیم شود؛ سه صورت وصیت کتبی پیش بینی شده است:

1- وصیت نامه مکتوبی که اسم آن را وصیت نامه رسمی گذاشته است چون گفتیم هر عقد و ایقاعی قابل تنظیم در دفترخانه اسناد رسمی است که بعدا ادعای تردید و انکار نسبت به آن مسموع نیست و تنها ادعای جعل مطرح است که آن هم دعوای مستقلی است که رسیدگی می‌شود.

2- وصیت نامه سری، این نوع وصیت باز در دفترخانه اسناد رسمی اتفاق می‌افتد با این تفاوت که در وصیت نامه رسمی، متن وصیت حالت سرگشاده دارد و سردفتر و ثبات و کارمندان از متن آن مطلع می‌شوند، اما وصیت نامه سری وقتی نوشته شده در لفافی قرار می‌گیرد و مهر و موم شده تحویل دفترخانه می‌شود یعنی خود سردفتر و اعضای آن متوجه متن وصیت نمی‌شوند و یک رسیدی تسلیم می‌شود که به موجب آن رسید، بعد از فوت طرف با حضور نماینده دادستان وصیت نامه را باز می‌کنند.

3- وصیت نامه خودنوشت: این وصیت نامه یک سند عادی است ولی در مورد وصیت نامه رسمی و سری وثوق صدور به این بود که سند در یک مرکز رسمی تنظیم شده است و تشریفات خاصی دارد ولی در وصیت نامه خودنوشت، وثوق صدور به چند مطلب دانسته اول این که قانون گذار می‌گوید: از اول تا آخر باید به خط موصی باشد و دوم این که باید تاریخ را با روز و ماه و سال در آن درج کرده باشد و باید امضا یا مهر و اثر انگشت داشته باشد. این ها جهات وثوق صدور محسوب می‌شود.

بنابراین متن دفترچه های مخصوصی که می‌فروشند، منطبق با مقررات تنظیم نشده است هرچند شرعی است؛ چون علاوه بر این که رسمی و سری نیست، خود نوشت هم نیست و بخشی از آن به صورت تاپی است و این از عنوان تماما به خط موصی باشد خارج می‌شود چه برسد به این که قسمت های خالی را هم دیگری پر کند.

همچنین است، در بحث گواهی حصر وراثت و اموری که ناظر به ترکه متوفی است در ماده 176 قانون امور حسبی راجع به مهر و موم ترکه و در ماده 216 در مورد تحریر ترکه و در ماده 266 راجع به تصفیه ترکه بحث کرده است؛ وقتی فردی از دنیا می رود به اموالی که از او باقی می ماند سه اصطلاح در قانون اطلاق می شود: ترکه، ماترک و متروکات، البته اصطلاح میراث مسامحی است چون مادامی که ماترک خالص نشده، اطلاق میراث بر آن غلط است و در حقیقت باید واجبات مالی استثناء شود و عمل به ثلث بشود، وصیت متوفی اجرا شود و دیون پرداخته شود و آنچه می ماند به عنوان خالص ماترک، میراث است.

در این راستا راجع به ترکه کسی که از دنیا می رود چند اقدام پیش بینی شده است؛ یکی در این مورد است که اگر یکی از وراثت ترس دارد که بقیه وارثان اموال را بردارند به همین جهت تقاضای مهر و موم ترکه می کنند تا کسی آن را کم و زیاد و جابه جا نکند تا با اطمینان به سراغ تجهیز متوفی بروند؛ تحریر ترکه آن است که صورت برداری تفصیلی از اموال متوفی و بدهی ها و مطالبات و نقدینگی ها و اموال غیر نقدی و اسناد مالی و کارشناس هر جا لازم است تقویم به قیمت می کنند، تصفیه ترکه عملیاتی است که اگر اعیانی متعلق به دیگران است جدا می کنند و اگر شخصی از متوفی طلبی دارد جدا می کنند و اگر وصیت به ثلث شده است جدا می کنند تا خالص ماترک برای وارثان بماند. همگی این ها طبق قانون باید صورت مجلس شود و در حقیقت این موارد با اتکای به اعتبار کتابت در قوانین موضوعه است.

و الحمد لله رب العالمین